

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتاب سوم



خروج جدید
دستورالعمل
مہماں اول وقت

زیر نظر استاد محمد تقی فیاض بخش

سرشناسه:	امیری، مهدی، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور:	دستورات اخلاق توحیدی/ زیر نظر محمدتقی فیاض بخش؛ به کوشش هیئت علمی موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی <small>علیه السلام</small> ؛ پژوهش و تدوین مهدی امیری، مهدی رضایی.
مشخصات نشر:	تهران: فیض فرزنان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	ج ۴؛ ۲۶/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک:	دوره: ۶-۲۵-۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶
	ج ۱: ۳-۲۶-۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶
	ج ۲: ۳-۲۷-۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶
	ج ۳: ۳-۳۸-۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
مندرجات:	ج ۱. دوام طهارت. - ج ۲. انس با قرآن. - ج ۳. نماز اول وقت - ج ۴. نماز شب.
موضوع:	طهارت Taharat* قرآن -- تلاوت Qur'an -- Reading
شناسه افزوده:	رضایی، مهدی، ۱۳۷۱-
شناسه افزوده:	Rezaei, Mahdi
شناسه افزوده:	فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ -
شناسه افزوده:	موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی
رده بندی کنگره:	BP1۸۵/۲
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی:	۹۱۷۲۸۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیبا

دستورات اخلاق توحیدی

جلد سوم: نماز اول وقت

زیر نظر: استاد محمدتقی فیاض بخش

پژوهش و تدوین: مهدی رضایی- مهدی امیری

ناشر: فیض فرزنان

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۶-۲۵-۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶

شابک: ۶-۳۸-۲۲۲-۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۳۷۹۷۴۷۵۰

برای اطلاع از دیگر محصولات مؤسسه، عدد ۱۰ را به سامانه

۰۲۱۳۳۹۸۷۹۹۰ پیامک کنید.

جلوه نور علوی

موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org

کلیه حقوق مادی و معنوی

این اثر متعلق به مؤسسه

جلوه نور علوی علیه السلام است.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۹.....	روز اول تا روز نهم: اهمیت نماز
۴۴.....	روز دهم و روز یازدهم: پیامدهای بی‌نمازی
۵۰.....	روز دوازدهم تا روز پانزدهم: آثار نماز
۵۹.....	روز شانزدهم و روز بیستم: حضور قلب
۷۷.....	روز بیست و یکم تا روز سی و دوم: اهمیت نماز اول وقت
۱۰۹.....	روز سی و سوم تا روز سی و پنجم: پیامدهای تأخیر در نماز
۱۱۷.....	روز سی و ششم تا روز سی و هشتم: آثار نماز اول وقت
۱۲۶.....	روز سی و نهم و روز چهلیم: اهمیت نماز جماعت
۱۳۲.....	فهرست منابع

مقدمه

جایگاه نماز

نماز قرب جانان است و معراج مؤمنان؛ میقات عاشقان است و عشق عارفان؛ باب رحمت است و بارگاه قدس؛ درمان همه دردهاست و روشنی چشم بیداردلان؛ نمود بندگی است و حضور در محضر ربوبی.

نماز آن گوهر همیشه تابناکی است که خدای متعال آن را تنها به بعضی از بندگانش تفضّل فرموده است. بر بندگان است که این درّ بی بدیل را قدر نهند و آن چنان که شایسته است، حقش را به جا آورند و شکرگزار حضرت حق باشند که فرصت بندگی را به آنان ارزانی داشته و درهای رحمت را به رویشان گشوده است.

چقدر زیباست آن زمان که بنده با طهارتِ برخاسته از جان، رو به سوی جانان نموده و تکبیر عشق را با ندای «الله اکبر» سر می‌دهد و آن چنان غرق در مناجات با پروردگار خویش می‌شود که گویی کسی در عالم، غیر از او و معبودش نیست؛ و آن چنان شرر بر

دل افلاکیان می‌زند که همه در حسرت نمازی چنین بمانند. خوشا به حال آنان که چنین‌اند با پروردگارشان! خوشا به حال آنان که عطر خوش نماز، آنان را مدهوش می‌کند و به ملکوت اعلا می‌برد! خوشا به حال آنان که از وقت سحر در فکر یار خویشند و غرق در تجلیات محبوب! خوشا به حال آنان که هر صبح و شام و هر لحظه و ساعتی منتظرند زمان دیدار فرا رسد تا پروانه وار هستی خویش را نثار محبوب کنند و در شعله عشقش چنان شعله‌ور شوند که خودی برایشان نماند.

خوشا آنان که الله یارشان بی به حمد و قل هو الله کارشان بی خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی^۱ نماز حقیقت معراج محبوب و بُراق سلوک به سوی جانان است. نماز آن اسب سپیدی است که وقتی بال‌هایش را باز می‌کند، روح و جان را تا اعلاعلیین و سرمنزل مقصود سیر می‌دهد. کسانی پیروز این میدانند که بتوانند از این مرکب راهوار به خوبی بهره‌برده و از برکات آن متنعم شوند.

چقدر ستودنی است آن زمان که انسان در مقابل کسی که تمام تار و پود و تمام هستی‌اش از اوست، سر تعظیم فرود می‌آورد و با تسبیح پروردگار خویش، ذکر او را با عظمت و جلالت ارج می‌نهد و رب خویش را ستایش می‌کند و از سر ادب در مقابل رب‌الارباب کرنش می‌کند! اوج این تعظیم، زمانی است که با خضوع و خشوع، خود را به خاک می‌افکند و پیشانی‌اش را - که مهتر اعضای بدن است - به خاک می‌گذارد. او با زبان دل اقرار می‌کند که خاکسار معبودش بوده و کمتر از خاک است. گویی با سجده اول می‌خواهد بگوید: از خاک آفریده شده‌ایم! و با سجده دوم می‌گوید: به خاک باز خواهیم گشت!

انسانی که ابتدایش از خاک بوده و انتهایش نیز خاک است، چه برای گفتن دارد؟ جز اینکه اقرار کند به پستی خویش و کریم بودن پروردگار خویش! او با زبان دل چنین نجوا می‌کند: چگونه کسی چون من اجازه یافته در محضر حق متعال سر به سجده گذاشته و ذکر او به زبان بیاورد؟! نماز از بهر آن معراج مؤمن شد که هر ساعت

نهی سر بر زمین و خویش را بر آسمان بینی^۱ انسان باید توجه داشته باشد زمانی که به نماز می‌ایستد، محبوب‌ترین عمل در پیشگاه خداوند متعال را اتیان می‌نماید. پاسخی که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره برترین و محبوب‌ترین عملِ مقرب دادند، این بود: «مَا أَعْلَمُ سَيِّئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ»^۲؛ چه سعادت‌ی بالاتر از این برای انسان مؤمن که عمل محبوب مولایش را به جا آورد! رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در فرمایشی گهربار فرمود: «أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا»^۳؛ هر قدر نماز عبد، رنگ و بوی خدایی به خود بگیرد، به همان اندازه با معبودش مانوس گشته و هر قدر این پیوند قوی‌تر باشد، سبب قبولی سایر اعمال خواهد بود.

ادب بندگی

چنین عملی اقتضای ادب متناسب با خود را دارد. آیا دور از ادب نیست که بنده وقتی صلاهی «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» را می‌شنود، نسبت به آن بی‌تفاوت بوده و آن را به تأخیر اندازد؟! آیا سزاوار

۱. دیوان فیاض لاهیجی، ص ۱۸.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴.

۳. فلاح‌السائل، ص ۱۲۷؛ اولین چیزی که بنده را به خاطرش محاسبه می‌کنند نماز است؛ اگر نمازش پذیرفته شود، اعمال دیگرش نیز پذیرفته می‌شود و اگر نمازش ردّ شود، سایر اعمالش نیز ردّ خواهد شد.

است با وجود چنین معبودی که نهایت لطف را به بنده داشته، ادب بندگی را رعایت نکرده و ندای آسمانی پروردگار که او را به مناجات با خویش دعوت می‌کند، اجابت نکند و حق بندگی را به جا نیاورد؟! انسانی که حتی در مقابل والدین خویش نیز این‌گونه نیست و سزاوار نیست والدینش او را به کاری امر کنند اما او بعد از ساعاتی به درخواست آنان پاسخ دهد؛ حاشا و کلاً!

سالک باید به این نعمت عظیم توجه داشته و بکوشد تا امانت الهی را به خوبی محافظت نماید؛ و به مصداق «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۱، شکرگزار واقعی آن باشد تا مبادا گرفتار نعمت الهی شده و این نعمت از او پس گرفته شود. او وقتی این‌گونه خود را تحت عنایات بی‌کران حضرت حق متعال مشاهده می‌کند، ادب بندگی حکم می‌کند این الطاف و تفضلات را قدر بدانند و به حکم آیه «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»^۲، تمام هم و غمش محافظت از این گوهر گرانبها باشد.

محافظت بر نماز اول وقت

محافظت بر نماز شئون مختلفی دارد که مهم‌ترین و اولین آن، مراقبت بر اوقات و حدود آن است. به این معنا که سالک باید در وهله اول بر نماز اول وقت اهتمام داشته باشد. امام باقر علیه السلام در روایت مبارکی محافظت از نماز را این‌گونه بیان می‌فرماید: حق نماز آن است که در اول وقت اقامه شده و هیچ امری بر آن مقدم نشود؛ در غیر این صورت، مصداق سبک شمردن نماز است.^۳ امام کاظم علیه السلام

۱. ابراهیم، ۷.

۲. المؤمنون، ۹.

۳. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» قَالَ: هَذِهِ الْفَرِيضَةُ مِنْ صَلَاةَا لَوْ قِيَمَتْ عَارِفًا حَقَّهَا لَا يُؤْتَرُ عَلَيْهَا غَيْرَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً لَا يُعَدِّيهِ وَمِنْ صَلَاةَا لَغَيْرِ قِيَمَتْهَا غَيْرَ عَارِفٍ حَقَّهَا مُؤْتَرًا عَلَيْهَا غَيْرَهَا كَانَ ذَلِكَ إِلَيْهِ عليه السلام فَإِنْ سَاءَ غَفَرَ لَهُ وَ إِنْ سَاءَ عَذَّبَهُ» دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۳۵؛ «امام باقر علیه السلام درباره گفته خداوند عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و

می‌فرماید: آخرین کلام پدرم (امام صادق علیه السلام) این بود: همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.^۱ نماز در اول وقت، مانند میوه رسیده‌ای است که زمان چیدنش فرا رسیده و اگر چیده و استفاده شود، در بهترین زمان به کمال خودش رسیده است؛ به تعبیری، نماز اول وقت مانند لیموشیرین است که در ابتدا شیرین است و هرچه می‌گذرد، تلخ‌تر می‌گردد. سالکی که در طلب خود جدیت دارد، از باب «الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ»^۲ به دنبال عملی است که بتواند به واسطه آن به چشم مولایش بیاید و خود را در دل محبوب جا کند. در این باره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا»^۳؛ نماز اول وقت، بافضیلت‌ترین عمل نزد خدای متعال است. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «امْتَحِنُوا شَيْعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِبِ الصَّلَوَاتِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا»^۴. انسانی که اعمال، رفتار و افکارش بر محوریت حق است و زاویه نگاهش را با کلام مولایش امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: «عَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ»^۵، تنظیم کرده است، هنگام مواجهه با کلام الهی و کلام قدسی اهل بیت علیهم السلام به سادگی از کنار آن عبور نمی‌کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَآخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَالْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ»^۶؛ کسی که نماز را در اول وقتش اقامه می‌کند،

آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌کنند» فرمود: مقصود همین نماز واجب است که هر کسی آن در وقتش بخواند، حقیقت را بداند و کاری را بر آن مقدم ندارد، خداوند بی‌گناهی‌اش را می‌نویسد و عذابش نمی‌کند؛ و هر کسی در غیر وقتش بخواند، حق نماز را نداند و کارهای دیگر را بر آن مقدم کند، سرانجامش با خداست؛ اگر خواست او را می‌آمرزد و اگر خواست عذاب می‌کند».

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۲. عیون‌الحکم، ص ۳۰.

۳. الصلاة فی الكتاب و السنة، ص ۵۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۴۹.

۵. عیون‌الحکم، ص ۳۳۵.

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۷.

قطعاً رضایت الهی شامل او شده، ولی تأخیر در نماز به منزله عفو الهی است. رضای الهی کجا و عفو و غفران کجا؟ کسی که نمازش را بی دلیل به تأخیر اندازد، به تعبیر روایت، مصداق آیه ﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾^۱ خواهد بود.^۲ این کمال بی لطفی و بی ادبی است که بدون عذر موجه، نماز را به تأخیر اندازیم. کسی که داعیه بندگی دارد، تحت هیچ شرایطی از این مهم غافل نخواهد شد.

حضور قلب، شرط قبولی نماز

از دیگر شئون محافظت از نماز، اقامه نماز با توجه قلبی و همچنین خضوع و خشوع ظاهری و باطنی است: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^۳؛ یعنی توجه باطنی و قلبی انسان به خدای متعال و درک این حقیقت که در محضر اوست؛ به گونه ای که خدا را انیس خود بیابد و از گفتگو و مناجات با او لذت ببرد؛ همان گونه که امام صادق (ع) می فرماید: «إِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي صَلَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَ الْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ»^۴.

حضور قلب، روح عبادت بوده و یکی از امور بسیار مهم در سلوک الی الله می باشد. انسان در وقت انجام عبادت، خود را از خواطر و هم و غم دنیا فارغ کند و دل را یک سره برای عبادت و مناجات با حق متعال خالص سازد.

برای این امر لازم است او برای عبادت خود وقتی معین کند و در آن وقت، خود را موظف به عبادت بداند و اشتغال دیگری برای خود قرار ندهد. در ضرورت تحصیل حضور قلب همین بس

۱. الماعون، ۴ و ۵.

۲. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۲۴.

۳. المؤمنون، ۲.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۰.

که بدانیم نماز بی حضور قلب، نماز حقیقی نیست. وقتی نماز از حقیقت و باطن خود جدا شد و به صورت یک عمل بی روح در آمد، تمام ثمرات و فوایدی که در آیات و روایات برای آن آمده، در چنین نمازی وجود نخواهد داشت و چه بسا موجب دوری از خداوند شود. امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نَصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبُعُهَا أَوْ خُمْسُهَا فَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ»^۱. معیار و ملاک قبولی نماز، مقدار اقبال و توجه قلبی به نماز است.

به طواف کعبه رفته به حرم رهم ندادند

که بروی در چه کردی که درون خانه آیی؟!^۲

حضور قلب در نماز و توجه باطنی به حق متعال در چنان درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که در برخی روایات، قبولی تمامی نمازها در گرو یک نماز کامل و مقبول بیان شده است. در این خصوص، امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِذَا مَا أَدَّى الرَّجُلُ صَلَاةً وَاحِدَةً تَامَةً قَبِلَتْ جَمِيعُ صَلَاتِهِ»^۳؛ از این رو، اکتفا نمودن به صورت نماز و قشر آن و محروم ماندن از برکات و کمالات باطنی آن، از بالاترین مراتب خسران و زیانکاری است.

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ فَلَا يَزَالُ مُقْبِلًا عَلَيْهِ حَتَّى يَلْتَفِتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ فَإِذَا التَّفَّتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعْرَضَ عَنْهُ»^۴؛ وقتی بنده به نماز می ایستد و به سوی خدا رو می کند، خدای متعال نیز رو به سوی او دارد تا زمانی که سه بار از یاد خدا غافل شود؛ در این هنگام خدای سبحان نیز از او اعراض می کند. بلا تشبیه، اگر انسان با یک شخصیت بزرگی گفتگو کند و در خلال بحث به او پشت کند، آیا بی ادبی نیست

۱. همان، ص ۳۶۳.

۲. کلیات عراقی، ص ۴۲.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

۴. ثواب الأعمال، ص ۲۲۹.

و موجب رنجش آن بزرگ نمی‌شود؟! چگونه است که انسان در مقابل حق متعال ایستاده و از او روی برگرداند؟! اگر نه روی دل اندر برابرت دارم
 من آن نماز حساب نماز نشمارم
 مرا غرض ز نماز این بود که پنهانی
 حدیث درد فراق تو با تو بگذارم
 وگرنه این چه نمازی بود که من بی تو
 نشسته روی به محراب و دل به بازارم^۱
 خلاصه، اگر انسان قدم در وادی انسانیت گذارده و دل به دریای بی‌کران لطف و محبت خدای متعال ببندد، باید تمامی همتش را طبق اخلاص گذارده و با توکل به ذات مقدس ربوبی و عمل به دستوراتش، خود را در مسیر این رود عظیم قرار دهد تا مورد لطف و عنایت حضرت دوست قرار گیرد.

آثار اهتمام به نماز

اهتمام به نماز - مخصوصاً در اول وقت - برای سالک آثار مهمی را به همراه دارد که در ذیل به برخی اشاره می‌شود:
 برطرف شدن ناراحتی‌ها: کسی که مقید به نماز اول وقت باشد از ناراحتی‌ها به دور خواهد بود. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:
 «مَا مِنْ عَبْدٍ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ مَوَاضِعِ الشَّمْسِ إِلَّا ضَمِنْتُ لَهُ الرُّوحَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ انْقِطَاعَ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ»^۲؛ هر بنده‌ای که اهتمام در رعایت اوقات نماز بورزد و در مواضع آفتاب برای وقت نمازش دقت کند، من برای او راحتی هنگام مرگ و قطع شدن هموم و رفع درد و نجات از آتش جهنم را ضمانت می‌کنم.
 ایمنی از بلاهای آسمانی: رسول مکرم اسلام ﷺ وعده داده

۱. مجموعه رسائل فیض، ص ۱۴.

۲. الأملی (للمفید)، ص ۱۳۶.

است: «إِذَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ عُرِفِي مِنْهَا حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَرِعَاةُ السَّمْسِ أَيْ الْمُحَافِظُونَ لِأَوْقَاتِ الصَّلَوَاتِ وَعُمَارُ الْمَسَاجِدِ»؛ هنگامی که خداوند سبحان بلای آسمانی نازل کند، حاملین قرآن و رعایت‌کنندگان خورشید (یعنی کسانی که اوقات نماز را مراعات کنند و مساجد را آباد می‌سازند) از این آفت در امانند.

ایمنی از شرّ شیطان: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ وَمَدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ»^۲. در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَلِكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيَلْقِنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ»^۳؛ ملک الموت در هنگام مردن، شیطان را از محافظ بر نماز دور می‌کند و شهادت به یگانگی خدا و نبوت پیامبرش را در آن هنگامه بزرگ به او تلقین می‌نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: شیطان تا زمانی که مؤمن بر نمازهای پنج‌گانه در وقت آن محافظت کند، پیوسته از او در هراس است؛ اما وقتی آنها را ضایع نمود، بروی جرئت پیدا کرده و او را در گناهان بزرگ می‌اندازد.^۴

برآورده شدن خواسته‌ها: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خویش پرسید: خدایا! پاداش کسی که نمازش را اول وقت می‌خواند، چیست؟ خداوند تبارک و تعالی فرمود: خواهش و خواسته او را برآورده می‌کنم و بهشت را بر او مباح می‌گردانم.^۵ پیشگیری از ارتکاب فحشا و منکر: حق متعال چنین فرموده

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲. عیون الحکم، ص ۶۶.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ دَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظًا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمُتَمِّينِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْحَلَهُ فِي الْعَظَائِمِ»؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۲۸.

است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۱. جوانی از انصار در عین حال که با پیامبر نماز می خواند، مرتکب گناه نیز می شد. هنگامی که جریان را به پیامبر گفتند، حضرت فرمود: بالأخره روزی نمازش او را از گناه باز می دارد. چندان طول نکشید که جوان متنبه شد و توبه کرد.^۲

ورود به بهشت: بهشت پاداش کسی است که اوقات نماز را رعایت کرده و در اول وقت آن را اقامه کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ: هَذِهِ الصَّلَاةُ الْمُحْتَسَمُ الْمَفْرُوضَاتُ فَمَنْ صَلَّى لَهَا لِيُؤْتِيَهُنَّ وَحَافِظَ عَلَيْهِنَّ لَيَقِيَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ عِنْدِي عَهْدٌ أُدْخِلُهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَمَنْ لَمْ يُصَلِّهُنَّ لِيُؤْتِيَهُنَّ وَلَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَذَلِكَ إِلَيَّ إِنْ شِئْتُ عَذَّبْتُهُ وَإِنْ شِئْتُ عَفَرْتُ لَهُ»^۳؛ خدای شما می فرماید: این نمازهای پنج گانه فریضه است؛ پس کسی که این نمازها را در وقتش به جا آورد و محافظت بر آن نماید، روز قیامت مرا ملاقات خواهد کرد و بر عهده من است که او را وارد بهشت کنم؛ و کسی که در وقتش نمازها را به جا نیاورد و محافظت بر آن نکند، اگر بخواهم او را عذاب می کنم و اگر بخواهم او را می بخشایم.

خشنودی خداوند: امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند: خواندن نماز در اول وقت و در اولین فرصت، کاری مستحب و پاداش افزاست.^۴ پس معلوم می شود که نماز اول وقت، موجب جلب محبت حضرت حق می گردد و چه غایتی برتر از این که بنده بتواند با عمل خود موجبات جلب رضایت مولایش را فراهم آورد! کسب خشنودی حق متعال یکی از مهمترین اهداف زندگی سالک است و اساساً «مقام رضا» یکی از مقامات عالیه سلوکی و یکی از

۱. العنکبوت، ۴۵.

۲. برگرفته از: بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۸؛ به نقل از: پرسمان نماز، ص ۷۰.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۹.

۴. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۳.

مراقبات مراتب عالی است.

در پایان باید گفت: انسان گرفتار در وادی تیه باید راه چاره‌ای پیدا کند تا در این هیاهو خود را از چنگ غفلت و شیاطین جنی و انسی برهاند و موجبات رضایت مولای حقیقی‌اش را فراهم سازد؛ و حقیقتاً چه وسیله‌ای بهتر از نماز؟!

ان شاء الله، خدای رحمان توفیق انجام نماز اول وقت با حضور قلب را به پویندگان راهش و عاشقان وصالش عنایت فرماید!

گزارش محتوا

چنان‌که پیشتر اشاره شد، در مکتب تربیتی مرحوم ملاحسینقلی همدانی رحمته‌الله نماز اول وقت از ابتدایی‌ترین دستورات است که سالک نباید در رعایت آن کوتاهی کند؛ تا اینکه بعد از مداومت بر آن، آثارش بر روح او نمایان شود و بتواند با حضور قلب و کیفیت بیشتری جامه عمل بر آن بپوشاند. بر همین اساس این مجلد با محتوای یک اربعین درباره «اهتمام به نماز اول وقت» تنظیم شده و محتوای آن با محورهای زیر سامان یافته است:

اهمیت نماز: نه روز؛

پیامدهای بی‌نمازی: دو روز؛

آثار نماز: چهار روز؛

حضور قلب: پنج روز؛

اهمیت نماز اول وقت: دوازده روز؛

پیامدهای تأخیر در نماز: سه روز؛

آثار نماز اول وقت: سه روز؛

نماز جماعت: دو روز.

روز اول: اهمیت نماز

اقامه نماز برای ذکر خدا

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾

«همانا! من خدایم که جز من معبودی نیست؛ پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من برپا دار!»

راه تقرب

«قالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ»^۲

«امام رضا عليه السلام می فرماید: نماز موجب عروج و تقرب هر انسان پرهیزکاری به سوی خداست.»

سخن آیت الله جوادی آملی رحمته الله

از مصادیق بارز ذکر، نماز است. اهمیت نماز - که آن را ستون دین معرفی کرده‌اند - باعث شده تا در تمام مذاهب و مکاتیب انبیای الهی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. خدای سبحان به پیروان موسای کلیم عليه السلام می فرماید: تورات و نماز را مدار نجات خود قرار دهید و به آن تمسک کنید! و به رهروان مسیر عیسای مسیح عليه السلام فرمود: انجیل و نماز را محور رهایی از خطر سازید و به آن استمساک نمایید! و به راهیان طریق رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن و نماز را معیار آزادی از هر گزندى بدانید و به آن اعتصام کنید! از این تعمیم برمی آید که پیام جهانی خداوند به تمام امت‌ها این است که کتاب آسمانی و نماز مدار نجاتند. گرچه کتاب الهی اعم از تورات، انجیل و قرآن، نماز را هم دربردارد لکن از باب ذکر خاص بعد از عام یا ذکر جزء بعد از کل، مسئله نماز به طور مستقل

۱. طه، ۱۴.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵.

در کنار کتاب آسمانی مطرح شده و آیه «وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»^۱، ناظر به تمام امت‌ها در تمام عصر و مصر است؛ یعنی کسانی که به کتاب الهی تمسک می‌جویند و نماز را اقامه می‌کنند، به درستی که ما اجر مصلحان را ضایع نمی‌کنیم.^۲

من به این معشوق خلوت‌خانه اهل نیازم
نور چشم انبیا محبوب پیغمبر نمازم
رشته وصل خدایم مشعل راه هدایم
هم‌زبان اهل دردم هم‌ضمیر اهل رازم
چشمه آب حیاتم منبع صبر و ثباتم
آتش عشق درونم شعله سوز و گدازم
بوده از اول ستون دین احمد قامت من
اولیا بستند صف بر گفتن قد قامت من^۳

امانت الهی

هر بار که به نماز می‌ایستاد، دیگر نمی‌توانستی بگویی او حالا در این دنیا است. بارها و بارها حسن و حسین علیه السلام دیده بودند که رنگ چهره پدر هنگام نماز دگرگون می‌شود. کسانی که در مسجد با او نماز می‌خواندند، گاهی با دیدن این حالت‌ها می‌ترسیدند، ولی هنگامی که در این حالت صدای او را می‌شنیدند که می‌گفت: «من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است»، آرام می‌شدند. آنان نمی‌توانستند باور کنند که کسی در حال نماز خواندن تا این حد دگرگون شود!

۱. الاعراف، ۱۷۰.

۲. حکمت عبادات، ص ۳۰۸.

۳. شعر از: غلامرضا سازگار.

یکی از آنان می‌گفت: علی علیه السلام را در مسجد در حال نماز خواندن دیده که پس از چند لحظه در میان نماز از هوش رفته است! همه از شنیدن این واقعه شگفت‌زده شدند. چند نفر پیشنهاد کردند برای مشخص شدن راز این حالت‌ها نزد علی علیه السلام بروند.

فردای همان روز پس از اتمام نماز، شمار زیادی گرد علی علیه السلام حلقه زدند و یکی پرسید: ای امیرالمؤمنین! می‌بینیم که هنگام نماز دگرگون می‌شوی و رنگ چهره‌ات زرد می‌شود؛ این چه حالتی است که در شما دیده می‌شود؟ امام علیه السلام لحظه‌ای درنگ کرد و همه مردم را از نظر گذراند. سپس نگاهی به آسمان کرد و گفت: آن، هنگام امانت خداوند است؛ امانتی که بر آسمان و زمین عرضه شد و آنها نپذیرفتند و در وحشت فرو رفتند، ولی انسان آن را پذیرفت؛ حال معلوم نیست که این امانت را خوب ادا خواهد کرد یا خیر!

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَىٰ عَنِّي صَلَاتِي فَ ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾» «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۲
«ستایش مخصوص خدایی است که نمازم را استوار ساخت؛ چراکه نماز بر مؤمنین، واجبی دارای وقت است؛ ستایش خدایی را که ما را به این امر هدایت فرمود و اگر هدایتش نبود، هرگز اهل هدایت نمی‌شدیم.»

۱. نماز و نوجوان، ص ۱۲.

۲. مصباح‌المتجهد، ج ۱، ص ۸۱.

روز دوم: اهمیت نماز

اقامه نماز در صورت تمکن

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱

«همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و مردم را به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای زشت باز می‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست.»

مهم‌ترین گذرگاه

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ؛ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا.»^۲

«رسول اکرم ﷺ فرمود: اولین چیزی که بنده را به خاطرش محاسبه می‌کنند، نماز است؛ اگر نمازش پذیرفته شود، اعمال دیگرش پذیرفته می‌شود و اگر نمازش ردّ شود، سایر اعمالش ردّ خواهد شد.»

سخن آیت‌الله بهجت رحمته‌الله‌علیه

معنای این روایت که می‌فرماید: «أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ»^۳ (به راستی که تمام اعمال تابع نمازت می‌باشد)، چیست؟ شاید مقصود این باشد که در روایت دیگر می‌فرماید: «فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا»^۴؛ اگر نماز پذیرفته شود، سایر اعمال نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد و اگر پذیرفته نشود، سایر اعمال نیز مورد قبول قرار نمی‌گیرد.^۵

۱. الحج، ۴۱.

۲. فلاح السائل، ص ۱۲۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۶۱.

۴. فلاح السائل، ص ۱۲۷.

۵. در محضر بهجت، ج ۳، ص ۸.